

## دیدگاه اول:

فقهی که به موضوعات و مسائل حکومتی و اجتماعی می‌پردازد

### مستندات دیدگاه اول:

به عبارتی علم فقه در حقیقت پژوهش در دین است؛ و از آن حکومتی به معنای آن مسائلی است که بعد از تشکیل حکومت اسلامی به عنوان موضوعات نوپدید با آن مواجه شده‌ایم؛ در عرصه پزشکی، سیاست خارجی، فرهنگی، ورزشی و... که مسائلی هستند که قبل از انقلاب نبودند و بعد از انقلاب که حکومت تشکیل شد با این مسائل مواجه شدیم. ...مسائل مستحدثه امام خمینی (ره) نمونه بارز این مسئله است که در آن مسائل سرقفی، بیمه و... مطرح می‌شود.»  
(سید احمد خاتمی، گفتگو با خبرگزاری قرآنی ایکن، اسفند ۱۳۹۰)

\*\*\*

«این نظام يك فقه حكومتي هم مي‌خواهد فقه حكومتي مسبوق به قواعد فقهی حكومتي است (يك) مسبوق به اصول حكومتي است (دو) تا ما اصول حكومتي مدون نداشته باشیم قواعد فقهی مدون نداشته باشیم حكومتي مدون نداشته باشیم فقه حكومتي هم نخواهیم داشت رأي مردم چقدر حجت است، اكثریت يعني چه، شوراي عمومي يعني چه، منطقه فراغ شورا كجاست، منطقه ممنوعه شورا كجاست، ... این را باید فقه حكومتي مدون كند تا بدهد به فقه حكومتي تا دستمایه‌ای داشته باشد و مشکلات روز حل بشود رأي مردم تا كجا حجت است تا چه اندازه حجت است چطوري رأي گرفتن حجت است چطوري رأي خواندن حجت است آیا رأي را به هر وسیله تهدید و تطمیع هم مي‌شود گرفت یا نمی‌شود گرفت اینها را حوزه‌های علمیه باید عرضه كند يعني در اصول (اولاً) در قواعد فقهی (ثانیاً) در فقه حكومتي (ثالثاً) تا نظام بتواند بر اساس آنها عمل كند.»

(عبدالله جوادی آملی، سخنرانی در كنگره بزرگداشت يكصدمین سالگرد رحلت مرحوم آخوند خراسانی، سایت اینترنتی بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء)

\*\*\*

«این فقه سیاسی و اجتماعی است که مضان «حوادث و واقعه» است و اجتهاد می‌طلبد. دیری است که در فقه فردی و عبادات، راه پیموده و کوبیده طی می‌کنیم. تدریس باب طهارت و صلوات کار دشواری نیست. آن قدر گفته‌اند و نوشته‌اند که تدریس و تحقیق در آن‌ها چندان پژوهش و صرف وقت و حتی توان علمی نمی‌طلبد؛ علاوه بر آن که مسائل مستحدث نوعاً در حوزه اجتماعیات و سیاسیات و معاملات و عقود و ایقاعات واقع می‌شود. در باب طهارت و صوم و صلوات، هر چند سال، مگر چند مورد ممکن است مسأله و موضوع جدید پیدا شود؟ اما اگر مثلاً به حوزه معاملات نظر بیفکنیم، می‌بینیم، مسائل نوظهور پیچیده و موضوعات جدید فراوانی با تعاریف خاص خود، امروز در دنیا ظهور کرده که فقه ما اصلاً بدان‌ها نپرداخته است. نگویید چنین مسائلی چه ربطی به زندگی مسلمانان دارد؟ زیرا اکنون اگر در آن سوی کره زمین تحولی در سیاست و اقتصاد و معاملات اتفاق بیفتد، زندگی ما از آن متأثر می‌شود. مسائل نو و بی‌پیشینه در اجتماعیات و سیاسیات و اقتصادیات بسیار است و این‌ها، مصادیق «مسائل مستحدثه» و «حوادث و واقعه» هستند. فقه سیاست و حکومت، فقه قدرت، مشارکت و مردمسالاری، پارلمان، ارزش افکار عمومی، ارزش آرای توده‌ای، تحزب، نافرمانی مدنی، حقوق اقلیت مغلوب یا مخالفت در انتخابات، بغی و برانداز و حوزه‌ها و موضوعات سیاسی بسیار دیگر از این دست، نیازمند تفقه و اجتهادی در خور است. مهندسی زاد و ولد، ژنتیک، اصلاح نژاد، مشابه‌سازی انسان، تغییر جنسیت، الآن در دنیا مسائل بسیار پیچیده‌ای را پدید آورده است. فقه روابط بین‌الملل، سازمان‌ها و کنوانسیون‌های جهانی، فقه دیپلماسی و روابط خارجی و معاهدات جهانی، سازمان ملل، شورای امنیت، مجامع جهانی، مرزهای مدرن، کشور و کشورداری مبتنی بر «دولت - ملت»... امروز محارب به چه معناست؟ و ذمی به چه معناست؟ معاهد به چه معناست؟ کافران بی‌طرف مقیم کشورهای دیگر چه حکمی دارند؟ این مباحث به عنوان مباحث زنده و محل چالش باید وارد حوزه‌های درسی و بحثی ما بشود.»

(علی اکبر رشاد، اجتهاد موجود و اجتهاد مطلوب، پژوهش و حوزه، زمستان ۱۳۸۱، ش ۱۲)

\*\*\*

« فقه فردی گاهی به نحوه‌ای از مسائل فقهی که موضوع آن تک‌تک مکلفین است اطلاق می‌شود در برابر فقه اجتماعی که به مسائلی که موضوع آنها همه یا بخشی از جامعه هستند اطلاق می‌شود.»

اطلاق دیگر درباره و ازگان فقه فردی یعنی استنباط فقهی با رویکرد فردگرایانه به مسایل در برابر فقه اجتماعی که استنباط فقهی با رویکرد اجتماعی است. در فقه فردی به این اصطلاح مجتهد در استنباط احکام متکلفین هر کدام را تک‌تک مورد توجه قرار می‌دهد و به استنزامات اجتماعی فتوا، رابطه مکلف با دیگر مکلفین، رابطه آنها با جامعه نمی‌پردازد. در برابر مراد فقه اجتماعی استنباط گزاره‌های فقهی با رویکرد اجتماعی و توجه به وظایف دیگر مکلف و وظایف دیگر مکلفین و توجه به نظام‌وارگی مجموعه گزاره‌های فتوایی است. با این تعریف محدوده فقه فردی و اجتماعی از جهت موضوع می‌تواند همه موضوعات فقهی را در برگیرد.»

(قاضی زاده، نشست فقه اجتماعی، سایت موسسه فهیم)